

## Feasibility study of the judiciary's guarantee in paying the difference in the amount of blood money for unintentional crimes resulting from unreasonable duration of proceedings

1- Mohammad Hashem Shahabinejad<sup>1</sup>

2- Ehsan Montazeri<sup>2</sup>

1- Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Sirjan Branch, Kerman, Iran.

2- Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Sirjan Branch, Kerman, Iran. (Corresponding author).

### Abstract:

According to Iranian statutory law, blood money is calculated based on the year of the crime or the year of the verdict (depending on the type of crime). Delays in judicial proceedings can lead to an increase in the amount of blood money determined according to the annual blood money tables; now the question arises: if an unreasonable and culpable delay in the proceedings is established that directly caused an increase in the blood money for an unintentional crime, can the judiciary be considered the cause of this increase and the guarantor of the payment of the difference in blood money between the time the crime occurred and the time the final verdict was issued? The present study, which is organized using a descriptive-analytical method, indicates that evidence such as the rules of harmlessness, waste, attribution, and the rule of justice can be cited as the foundations of the legitimacy of the judicial system's guarantee in this regard. In fact, this is based on compensatory justice and protection of the rights of the victim and the accused (to prevent undue harm).

**Keywords:** Guarantee, civil liability, blood money, unintentional crimes, unreasonable delay in proceedings, judiciary, attribution.

---

<sup>1</sup> shahabih1402@gmail.com

<sup>2</sup> E.montazeri69@gmail.com

## امکان سنجی ضمان قوه قضاییه در پرداخت مابه التفاوت دیه

### جنایات غیر عمدی ناشی از مدت غیر معقول دادرسی

محمد هاشم شهابی نژاد<sup>۱</sup>

احسان منتظری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

#### چکیده

مطابق قوانین موضوعه ایران، دیه بر اساس سال وقوع جنایت یا سال صدور حکم (بسته به نوع جنایت) محاسبه می‌شود. تأخیر در رسیدگی قضایی می‌تواند منجر به افزایش میزان دیه تعیین شده طبق جداول سالانه دیه گردد؛ حال این سوال مطرح می‌شود در صورتی که تأخیر غیر معقول و تقصیرآمیز در دادرسی که سبب مستقیم افزایش دیه جنایت غیر عمدی شده باشد احراز شود، آیا می‌توان قوه قضاییه را به عنوان مسبب این افزایش ضامن پرداخت مابه‌التفاوت دیه بین زمان وقوع جنایت و زمان صدور حکم نهایی دانست؟ پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است حاکی از آن است که ادله‌ای مانند قواعد لاضرر، اتلاف، تسبیب و حکومت عدل می‌توانند به عنوان مبانی مشروعیت ضمان دستگاه قضایی در این خصوص مورد استناد قرار گیرند. در واقع این امر مبتنی بر عدالت جبرانی و حمایت از حقوق بزه دیده و متهم (برای جلوگیری از تحمیل زیان ناروا) می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** ضمان، مسئولیت مدنی، دیه، جنایات غیر عمدی، تأخیر غیر معقول دادرسی، قوه قضاییه، تسبیب.



<sup>۱</sup> - گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان. کرمان، ایران.

<sup>۲</sup> - گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان. کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

## ۱- مقدمه

دیه از احکام امضایی اسلام است که در دوران جاهلیت نیز وجود داشته و دلیل مشروعیت آن، علاوه بر اجماع فقیهان اسلام، کتاب شریف و سنت قطعی است. بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که اگر حقی از کسی پایمال شود و یا چنانچه کسی مورد ضرب و جرح موجب خسارت گردد، صدمات وارده باید به نحو احسن جبران گردد و این امر نه تنها در مرحله اثبات و ثبوت خسارت بلکه در مرحله پرداخت باید با شرایط خاص خود صورت گیرد.

با توجه به نوع جنایت، مسئول و مهلت پرداخت دیه متفاوت می‌باشد ولی آنچه که محرز است این‌که پرداخت دیه باید در موعد قانونی خود صورت گیرد؛ در خصوص اینکه نرخ دیه بر اساس چه قاعده‌های باید پرداخت گردد نظرات مختلفی ابراز شده است برخی بر این باورند که دیه باید به نرخ روزی پرداخت گردد که جرم ارتکاب یافته است. دلیل این دسته از افراد این است که در روزی که جرم ارتکاب یافته در واقع دیه صدمات در همان روز بر عهده مرتکب ثابت شده است. نظر دیگری که در خصوص پرداخت دیه به محکوم‌له ارایه می‌شود روز صدور حکم است. از لحاظ حقوقی فرد زمانی مجرم محسوب می‌شود که حکم از دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده باشد و به عبارتی حکم قطعی شده باشد. حمایت از حقوق بزه‌دیده و سیاست جنایی پیشگیرانه و همچنین قواعد فقهی متعدد از جمله قواعد «لاضرر» و «محترم بودن مال و جان مسلمان» ایجاب می‌کند جهت جبران کاهش ارزش پول نرخ دیه به قیمت روز پرداخت صورت پذیرد. قانون مجازات جدید نیز همین دیدگاه را در قالب ماده ۴۹۰ مقرر نموده است. (احسان پور و امی، ۱۳۹۹، ۳۱).

همچنین اطلاع صدور و اجرای احکام مدنی از مسائل و چالش‌ها و به عبارت دقیق‌تر موانع تحقق عدالت در نظام قضایی است که ابعاد اقتصادی آن چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اطلاع صدور و اجرای احکام مدنی از دو جهت دارای آثار و به عبارتی زیان اقتصادی است. جهت اول اطلاع صدور و اجرای حکم باعث ضرر اقتصادی به محکوم‌له می‌شود. در این خصوص در دعاوی با موضوع وجه نقد، خواهان حق تقاضای دریافت خسارت تأخیر تأدیه تا

تاریخ صدور حکم را دارد. در خصوص خسارت تأخیر تأدیه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. اما بسیاری از فقها معتقد به امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه هستند.

در مورد تأخیر تأدیه در مورد اطاله اجرای حکم نیز، دادگاه بر حسب درخواست محکوم له، در حدود مقررات قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی است. جهت دوم اینکه، اطاله صدور و اجرای حکم باعث تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر سیستم قضایی و به تبع آن بر طرفین دعوی می‌گردد. بنابراین لازم است خسارت تأخیر تأدیه در غیر از موارد وجه نقد پذیرفته شود و از افزایش هزینه‌های دادرسی و اجرای احکام مدنی به منظور کاهش اطاله صدور و اجرای احکام جلوگیری شود زیرا حق دادرسی را زایل می‌سازد. (سامان قاضی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۱۱)

باتوجه به موارد فوق پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که ضمان افزایش دیه جنایات غیر عمدی ناشی از مدت غیر معقول دادرسی چگونه است؟

### روش شناسی پژوهش

این تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده روش استفاده در گردآوری داده‌ها روش توصیفی تحلیلی، با استفاده از انواع اسناد و مدارک است. یعنی متون و نوشتارهای منابع درجه دوم مرتبط با موضوع تحقیق که در آن انواع متون و نوشتارهای منابع درجه دوم در ارتباط با موضوع تحقیق و سؤالات پژوهش به صورت تحلیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### مفاهیم پژوهش

#### مفهوم دیه

در مورد ماهیت دیه فقها و حقوقدانان نظریات مختلفی را مطرح نموده اند. یک دیدگاه این است که دیه مجازات است و در این خصوص به ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی استناد می‌کنند. طرفداران این نظر در اثبات این مطلب به نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز

استناد می کنند که "در صورت صدور حکم بر براءت متهم، مطالبه دیه موردی ندارد. زیرا دیه" مجازات مالی "است که بر جانی تحمیل می شود و با تبرئه شدن متهم، مجازات منتفی می شود. (عباس زراعت، ص ۳۴-۳۵). دیدگاه دیگر در مورد ماهیت دیه آن است که دیه خسارت مالی است و در مقابل نفس یا اعضای بدن قرار می گیرد. این گروه معتقدند درست است که دیه در مقابل جان و اعضای بدن انسان قرار دارد و جان انسان با هیچ چیز قابل قیمت گذاری نیست اما با وقوع قتل غیر عمدی نمی توان به استناد این که جان آدمی قابل تقویم نیست قاتل را رها کرد بلکه باید در مقابل از بین رفتن جان مبلغ مناسبی را به عنوان خسارت قرار داد و چون قانونگذار در برخی موارد پرداخت دیه را بر عهده خویشان قاتل قرار داده است (ماده ۳۵ و ۳۰۶ق.م.ا). اگر دیه را مجازات بدانیم با اصل شخصی بودن مجازات منافات پیدا می کند. بنابراین چاره ای نیست که دیه را ضمان مالی بدانیم و مجازات بودن آن را نفی کنیم.

برخی دیگر از پژوهشگران، ماهیت دیه را تعویض مدنی می دانند و برای اثبات نظر خود دلیل آورده اند که دیه به خزانه عمومی (دولت) وارد نمی شود. چون غرامت ها و مقدار آن بر حسب بزرگی جنایت و کوچکی آن و همچنین بر حسب تعدد داشتن جانی و یا عدم تعدد او مختلف می شود و معتقدند دیه، مال خالص مجنی علیه است زیرا خداوند فرموده است: "و دیهٌ مسلمةٌ إلى أهله..." (سوره نساء/آیه ۹۲). بنابراین درباره ماهیت دیه، سه قول وجود دارد:

(۱) ماهیت جزایی

(۲) ماهیت جبرانی

(۳) ماهیت دوگانه.

بنابراین اگر چه ماهیت دیه در قتل خطایی و غیر عمد، بیشتر جبران خسارت اقتصادی ناشی از فقدان مقتول یا نقص عضو مجنی علیه است یعنی دارای ماهیت جبرانی است (میرمدرس، ۱۳۹۲، ۲۴).

## مفهوم جنایات غیر عمدی

جنایات غیر عمدی در حقوق (به ویژه حقوق کیفری ایران) به جرایمی اطلاق می‌شود که در آنها مرتکب، قصد ارتکاب جرم و ایجاد نتیجه مجرمانه (مانند قتل یا قطع عضو) را ندارد، اما در اثر بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت، باعث وقوع آن نتیجه مجرمانه می‌شود.

در نظام حقوقی ایران که برگرفته از فقه امامیه است، دیه در قوانین مدون جایگاه ویژه‌ای دارد. مبانی حقوقی آن را می‌توان در اصول و مواد قانونی زیر جستجو کرد:

### جبران خسارت (مسئولیت مدنی):

مهمترین مبنای حقوقی دیه، اصول مسئولیت مدنی است. هدف اصلی دیه، جبران ضرر و زیان وارد شده به مجنی علیه یا اولیای اوست. قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۴۹ مقرر می‌دارد: «دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود». این تعریف، ماهیت جبران کنندگی دیه را نشان می‌دهد. در جنایت غیر عمدی، دیه به عنوان یک «حَقَّ الْعَوَضِ» (حق البدل) برای زیان‌دیده عمل می‌کند و هدف آن بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت قبل از جنایت، تا حد ممکن از طریق پرداخت مالی معین است (گلدوست جویباری، ج ۲، ص ۹۵).

### عدالت ترمیمی

دیه کارکردی فراتر از مجازات دارد و در زمره نهادهای عدالت ترمیمی قرار می‌گیرد. برخلاف عدالت سزادهنده که بر مجازات مجرم تمرکز دارد، عدالت ترمیمی به ترمیم رابطه بین بزه دیده، جامعه و بزه‌کار و جبران خسارت بزه دیده می‌پردازد. دیه با جبران مالی خسارت، به کاهش کینه و دشمنی بین اولیای دم و جانی کمک کرده و زمینه بازگشت آرامش به جامعه را فراهم می‌کند. این نگاه در قانون مجازات اسلامی به ویژه در مورد صلح و گذشت در برابر دیه مشهود است.

## مفهوم ضمان

در حقوق ایران، ضمان به دو معنای عام و خاص به کار می‌رود و عمدتاً در قانون مدنی (مواد ۶۸۴ به بعد) و با ریشه در فقه امامیه تعریف شده است:

۱- ضمان عقدی عبارت است از تعهد شخصی (ضامن) به پرداخت دین دیگری (مضمون‌عنه) در برابر طلبکار (مضمون‌له) "به بیان ساده، ضامن با انعقاد عقد ضمان، مسئولیت پرداخت بدهی شخص ثالث را به عهده می‌گیرد. ماده ۶۸۴ قانون مدنی مقرر داشته « ضمان عقدی است که به موجب آن، شخصی (ضامن) مالی را که بر ذمه دیگری (مضمون‌عنه) است، به عهده می‌گیرد». ماده ۶۹۴ قانون مدنی نیز می‌گوید «با انعقاد ضمان، ذمه مضمون‌عنه بریء و ذمه ضامن به طلب مشغول می‌شود». (انتقال دین از ذمه بدهکار اصلی به ذمه ضامن).

۲- تعریف ضمان در معنای عام (ضمان قهری)؛ ضمان قهری به مسئولیت مدنی ناشی از ضرر غیرقانونی به دیگری اشاره دارد (بدون قرارداد). در این حالت، شخص خاطی ضامن جبران خسارت است. ماده ۳۰۷ قانون مدنی مقرر داشته «هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده، لطمه‌ای وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) نیز می‌گوید: «هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

### ضمان افزایش دیه جنایات غیر عمد

تحلیل جامع مسئله نشان می‌دهد که «ضمان افزایش دیه در جنایات غیر عمد» یک مسئله تک‌بعدی نیست، بلکه یک پازل چندوجهی است که حل آن نیازمند هماهنگی نهادهای تقنینی، قضائی، اجرائی و اقتصادی است. ضمان واقعی زمانی محقق می‌شود که:

در سطح نظری: گفتمان فقهی از «ثبات عددی» به سوی «ثبات ارزشی» سوق یابد.

در سطح تقنینی: قانونی تصویب شود که افزایش سالانه دیه را نه به عنوان یک لطف، بلکه به عنوان یک حق قانونی برای زیان‌دیده و بر اساس فرمولی شفاف تعیین کند.

در سطح اجرایی: زیرساخت‌های پرداخت (بیمه و صندوق تضمین) به گونه‌ای تقویت شوند که افزایش رقم دیه، منجر به ورشکستگی پرداخت‌کننده یا عدم توانایی دریافت توسط زیان‌دیده نشود. در نهایت، تضمین افزایش دیه، ضمان اجرای عدالت در جامعه اسلامی است. جامعه‌ای که در آن، خون و آبروی افراد، حتی با گذشت زمان، بی‌ارزش شمرده نشود و نظام حقوقی آن، پویایی لازم برای پاسخگویی به تحولات اقتصادی را دارا باشد.

مبحث "ضمان" در فقه امامیه و حقوق ایران، به ویژه در جرائم علیه تمامیت جسمانی (سو)، مبتنی بر اصول و قواعد پیچیده‌ای است. این تحلیل به پنج گفتار اصلی درخواستی با استناد به منابع فقهی، روایی و حقوقی می‌پردازد.

### قاعده اجتماع سبب و مباشر

این قاعده زمانی مطرح می‌شود که دو یا چند عامل (یکی به عنوان سبب و دیگری به عنوان مباشر) در تحقق ضرر (جراحت یا قتل) نقش داشته باشند. سوال اصلی این است که ضمان بر عهده کیست؟ طبق نظر مشهور فقهای امامیه مانند شیخ انصاری و محقق نائینی، ضمان متوجه مباشر است، مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد (مثل کندن چاه در معبر عمومی که سبب اقوی است).

دلیل: اصل تسلط مباشر بر عمل و نتیجه. روایاتی مانند «عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَ» (حرعاملی، ج ۱۷، ص ۳۴۳) بر مسئولیت عامل مستقیم (ید) تأکید دارند.

استثناء (سبب اقوی): اگر سبب، نقش تعیین کننده تر و قوی تر داشته باشد (مانند حفر چاه یا نصب تیرک در معبر)، ضمان بر عهده سبب است. مستند این استثناء، روایات و عقل سلیم است که علت اصلی را مسئول می داند.

حقوق ایران: ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (و قبلاً ماده ۳۶۳ قانون مدنی) مقرر می دارد: «کسی که سبب تلف مالی شود ضامن است...». رویه قضایی و دکترین حقوقی (مانند نظر دکتر کاتوزیان در مسئولیت مدنی) معمولاً به تبعیت از فقه، مباشر را مسئول اصلی می دانند مگر آنکه سبب، اقوا باشد. در جرائم علیه تمامیت جسمانی نیز این قاعده جاری است.

### ضمان قاصد یا عالم به وقوع نتیجه

مفهوم: آیا برای ضمان در جنایت خطایی (مانند جراحت غیر عمدی)، علم یا قصد مرتکب نسبت به وقوع نتیجه (جراحت یا قتل) شرط است؟

نظریه مشهور فقه امامیه (نیاز به علم تفصیلی): اکثر فقهای متأخر امامیه مانند امام خمینی (تحریر الوسیله، ج ۲، مسئولیت) و آیت الله خوئی (مصباح الفقاهه، ج ۱) معتقدند برای تحقق ضمان در جنایت خطایی، مرتکب باید عالم به نتیجه (جراحت یا قتل) باشد. یعنی بداند یا احتمال قوی بدهد که عملش منجر به آن نتیجه می شود. اگر جاهل به نتیجه باشد، ضمانی نیست.

دلیل: استناد به اطلاق ادله ضمان (مثل «عَلَى الْعَاقِلَةِ») و نیز قاعده «نفي عسر و حرج» و «نفي ضرر» که ضمان جاهل را غیر منطقی می داند. روایاتی نیز بر اهمیت علم و قصد در تفکیک عمد از خطا دلالت دارند.

حقوق ایران: ماده ۲۹۵ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «جنایت در صورتی خطایی محسوب می شود که مرتکب، قصد ارتکاب جنایت بر مجنی علیه را نداشته باشد...». در عمل،

برای تحقق جنایت خطایی و ضمان ناشی از آن، نیازی به علم تفصیلی به نتیجه خاص نیست، بلکه علم به نوع عمل و خطرناک بودن آن کافی است (نظریه دکتر میرمحمدصادقی در حقوق جزای اختصاصی). اگر عمل ذاتاً خطرناک باشد (مثل رانندگی با سرعت غیرمجاز)، حتی بدون قصد یا علم تفصیلی به جراحت خاص، مرتکب مسئول است (ماده ۲۹۶ ق.م.ا).

### استناد به مواد مربوط به تحمیل خسارات دادرسی بر محکوم‌علیه

خسارات دادرسی شامل هزینه‌های طرح دعوی، دادرسی، کارشناسی، وکالت و ... است که بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت محکومیت، بر عهده محکوم‌علیه قرار می‌گیرد.

۱- استناد در مسئولیت مدنی ناشی از جراحت: در دعوی مطالبه دیه و خسارات ناشی از جراحت، خواهان (مجنی‌علیه) می‌تواند علاوه بر دیه و ضرر و زیان مادی و معنوی، خسارات دادرسی را نیز از خوانده (ضارب یا مسئول) مطالبه کند.

### ۲- مستند قانونی:

ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م: مقرر می‌دارد که خسارات دادرسی بر عهده محکوم‌علیه است.

ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م: به دادگاه اجازه می‌دهد حداکثر تا ده درصد محکوم‌به را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه (در صورت تأخیر محکوم‌علیه) تعیین کند. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» خسارات دادرسی به عنوان ضرر ناشی از عمل مسئول (که مجبور به اقامه دعوی شده) قابل مطالبه است.

نکته: استناد به این مواد نیازمند محکومیت قطعی خوانده در اصل دعوی مسئولیت (دیه و خسارات) است.

### انتفاع جانی از درمان مجنی علیه و لزوم تدارک آن

مفهوم: این استدلال که جانی (ضارب) به طور غیرمستقیم از درمان یافتن مجنی علیه نفع می برد (چون دیه کامل را نمی پردازد) و بنابراین باید هزینه های درمان را تقبل کند.

#### ۱- تحلیل فقهی و حقوقی:

اصل ضمان: اصل اولیه در فقه و حقوق، ضمان جانی نسبت به همه خسارات مستقیم و قابل پیش بینی ناشی از جنایت است (ماده ۱ ق.م.م، مواد ۲۹۴ به بعد ق.ا.م). هزینه های درمان، جزء ضرر و زیان مادی محسوب می شود که مستقیماً ناشی از فعل جانی است. دیه: پرداخت دیه (ارش) جبران خسارت ناشی از نقص عضو یا جراحت است. دیه شامل هزینه های درمان نمی شود. دیه مقدار مشخصی است که در شرع یا قانون تعیین شده است (مواد ۵۴۶ تا ۵۵۸ ق.ا.م).

#### مستندات لزوم پرداخت هزینه های درمان:

قاعده لاضرر: "لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ" (حرعاملی، ج ۱۷، ص ۲۵۰). تحمیل هزینه های سنگین درمان بر مجنی علیه، ضرر غیرمتعارفی است که جانی باید آن را جبران کند. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: هزینه های درمان، ضرر مادی مستقیم ناشی از فعل جانی است.

ماده ۵۲۲ ق.م.ا (ارش): در جنایات عمدی و شبه عمدی که دیه مشخص دارد، مجنی علیه می تواند ارش (دیه غیرمقدر) را برای جبران خسارات مازاد بر دیه، از جمله هزینه های درمان، مطالبه کند.

روایات: روایاتی که بر جبران ضرر تأکید دارند، مانند تأکید بر رد مال مغضوب یا تلف شده.

انتفاع جانی: این استدلال که جانی از درمان مجنی علیه منتفع می شود، استدلالی فرعی و تأییدی است، نه مستقل. اصل، جبران کامل ضرر وارد شده توسط مسئول است. حتی اگر مجنی علیه درمان نشود (و مثلاً نقص عضو دائمی بماند)، جانی علاوه بر دیه کامل، ممکن است

مسئول خسارات دیگری (مثل از دست دادن درآمد) نیز باشد. انتفاع جانی صرفاً یکی از توجیهاات عرفی برای لزوم پرداخت هزینه‌های درمان علاوه بر دیه است، اما مستند اصلی، قواعد عام ضمان و جبران خسارت است.

### شرایط تحقق ضمان

تأخیر باید غیرمعقول باشد: طولانی‌تر از مدت متعارف برای رسیدگی به پرونده‌های مشابه. رابطه سببیت مستقیم: اثبات اینکه تأخیر غیرمعقول، علت اصلی و مستقیم افزایش دیه بوده است (نه عوامل دیگر).

وجود ضرر: مابه‌التفاوت محسوس دیه بین زمان وقوع و زمان حکم، ضرر محسوب می‌شود.

قابلیت انتساب: تأخیر باید ناشی از تقصیر یا کوتاهی دستگاه قضایی باشد (مانند تراکم پرونده‌ها بدون توجیه، سهل‌انگاری قضات یا کارکنان).

منتسب الضمان: ضمان متوجه دولت (به عنوان متصدی قوه قضائیه) است. امکان طرح دعوی علیه دولت در دادگاه‌های عمومی وجود دارد.

میزان ضمان: دستگاه قضایی ضامن تفاوت دیه بین سال وقوع جنایت و سال صدور حکم قطعی (با لحاظ نوع جنایت و جدول دیه مربوطه) است.

چالش‌ها: اثبات رابطه سببیت دقیق، تعیین معیار "غیرمعقول بودن" تأخیر، مشکلات اجرایی و مالی دولت، و برخی اختلافات فقهی در شمول ادله ضمان بر این مورد خاص.

### عوامل مؤثر بر مقدار دیه

نوع جنایت (قتل، قطع عضو، جرح) و زمان تعیین دیه (مستقر شدن دیه دردمه مرتکب معمولاً وقوع جنایت یا اثبات آن است) (ماده ۵۴۶ ق.م.ا؛ امام خمینی، ج ۲، مسئله ۱۹ از دیات)

تورم و تغییر ارزش پول: برخی فقها قائل به تعدیل دیه بر اساس نرخ تورم یا شاخصهای اقتصادی برای حفظ غرض شرعی جبران خسارت هستند (دیدگاه مشهور در فقه معاصر و

رویه قضایی ایران پس از نظریه ۷۹/۳۱/۷/۷۴۹ شورای نگهبان). (نظریه فقهی شورای نگهبان؛ مهرپور، ص ۳۵؛ عمید زنجانی، ج ۴، ص ۲۸۷)

**تشدید خسارت:** اگر فعل مرتکب مستقیماً منجر به تشدید خسارت شود (مثلاً ضربه اول منجر به جرح و ضربه دوم منجر به قطع عضو گردد)، دیه متناسب افزایش می یابد.

### مسئولیت مدنی قاضی و دستگاه قضایی

قاعده اتلاف (مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ): مبنای اصلی مسئولیت مدنی. هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است. (شهید ثانی، ج ۱۴، ص ۴۴؛ انصاری، ج ۱، ص ۲۵۰)

قاعده تسبیب: هر کس سبب تلف مال یا خسارت به دیگری شود، در صورت احراز رابطه سببیت، ضامن است (ماده ۳۳۲ ق.م). (محقق اردبیلی، ج ۱۳، ص ۳۲۴)

قاعده لاضرر و لاضرر فی الاسلام): صدور حکم ضرری یا تأخیر غیرموجه که منجر به ضرر شود، بر خلاف این قاعده است. (حرعاملی، ج ۱۵، ص ۶۹؛ خمینی، ج ۲، ص ۶۲۶).

مسئولیت در صورت تعدی و تفریط: قاضی در صورت تقصیر (تعدی: تجاوز از حدود صلاحیت، تفریط: سهل انگاری در انجام وظایف) مسئول جبران خسارت ناشی از حکم یا رفتار خود است (ماده ۵۸ ق.آ.د.م و رویه قضایی). (صفایی، ص ۱۱۲).

به عنوان شخصیت حقوقی، دستگاه قضایی میتواند به دلیل تأخیر غیرمنطقی در دادرسی (ناشی از سیستم، کمبود امکانات یا نیروی انسانی، سوء مدیریت) که منجر به ورود خسارت به اصحاب دعوا گردد، بر مبنای مسئولیت مدنی دولت و قواعد عمومی ضمان قهری (اتلاف، تسبیب، لاضرر) مسئول شناخته شود. (بادینی، ص ۲۸۹؛ کاتوزیان، ج ۱، ص ۷۵).

### مسئول پرداخت دیه در جنایات عمدی و غیر عمدی

جنایت عمدی: مسئول اصلی پرداخت دیه، خود مرتکب (جانی) است.  
جنایت غیرعمدی: در اغلب موارد، پرداخت دیه بر عهده عاقله (خویشاوندان پدری مرتکب) است، مگر در موارد خاص که خود مرتکب مسئول است.

## جزئیات و مقررات ضامن پرداخت دیه بر اساس قانون مجازات اسلامی

### ۱- جنایت عمدی (مثل قتل عمد یا قطع عمدی عضو)

در جنایت عمدی، اصل بر این است که مرتکب باید مسئولیت عمل خود را به طور کامل بر عهده بگیرد.

مسئول اصلی: مرتکب جنایت (جانی) مسئول پرداخت دیه به مجنی علیه (قربانی) یا اولیای دم او است.

منع پرداخت: دیه از اموال شخصی مرتکب پرداخت می‌شود.

سایر مسئولان: در موارد خاص، ممکن است افراد دیگری نیز ضامن باشند:

مباشر و مشارک: اگر چند نفر در ارتکاب جرم مشارکت داشته باشند، همه آنها به صورت "مسئولیت تضامنی" ضامن پرداخت دیه هستند. یعنی اولیای دم می‌توانند کل دیه را از هر یک از آنان مطالبه کنند.

مسبب (علت ساز): کسی که باعث وقوع جنایت شده باشد، بدون اینکه مباشرتاً مرتکب شود (مثلاً چاهی در معبر عمومی حفر کند که منجر به مرگ شخصی شود)، ضامن پرداخت دیه است.

ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی: "در جنایت عمدی، علاوه بر مجازات مقرر، مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود."

### ۲- جنایت غیرعمدی (مثل تصادف رانندگی، سقوط از ارتفاع توسط کارگر و...)

در جنایت غیرعمدی، قواعد پرداخت دیه پیچیده‌تر است و بستگی به نوع جنایت و شرایط مرتکب دارد. مسئولیت اصلی بر عهده عاقله است.

الف) عاقله چیست؟

عاقله به ترتیب اولویت عبارت است از:

خویشاوندان پدری مرتکب (مانند پدر، برادر، عمو، پسرعمو و...). در صورت نبودن

خویشاوندان پدری یا عدم توانایی مالی آنان، دیوان (خزانه دولت) مسئول پرداخت است.

(ب) موارد پرداخت دیه توسط عاقله:

عاقله در سه مورد اصلی مسئول پرداخت دیه غیر عمدی است:

قتل غیر عمد: در صورت وقوع قتل غیر عمد، دیه بر عهده عاقله مرتکب است.

جنایت غیر عمدی بر اعضا و منافع: در صورتی که مرتکب، محجور (صغیر، مجنون) باشد،

دیه جنایت غیر عمدی او بر عهده عاقله است.

خطای محض: جنایاتی که مرتکب در ارتکاب آن هیچ تقصیری ندارد مانند موارد قوه قاهره.

(ج) موارد پرداخت دیه توسط خود مرتکب:

در جنایت غیر عمدی، در موارد زیر دیه بر عهده خود مرتکب است و عاقله مسئولیتی ندارد:

وقوع جنایت توسط مرتکب بالغ و عاقل: اگر مرتکب، بالغ و عاقل باشد و جنایت

غیر عمدی علیه اعضا و منافع (غیر از قتل) انجام دهد، دیه از مال خود او پرداخت می شود.

(مثلاً یک راننده بالغ و عاقل که به طور غیر عمد باعث قطع عضو کسی شود).

عدم توانایی مالی عاقله: اگر عاقله توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، در این صورت

پرداخت دیه بر عهده خود مرتکب خواهد بود.

مرتکب بودن مستخدم یا پیمانکار: اگر جنایت غیر عمدی توسط مستخدم یا پیمانکار در

حین انجام کارش رخ دهد، دیه بر عهده خود او (مستخدم/پیمانکار) نیست، بلکه بر عهده

مؤجر یا کارفرما است (ماده ۳۱۶ قانون مجازات اسلامی).

### تحلیل مسئولیت در خصوص مهلت غیر معقول دادرس (ضمان افزایش):

#### ۱- مفهوم مهلت غیر معقول (تأخیر غیر موجه):

منظور تعلل و درنگ بی مورد قاضی (اعم از دادیار، بازپرس، دادستان، مستشار دادگاه

تجدیدنظر یا قاضی دادگاه) در انجام تکالیف قانونی مربوط به رسیدگی و صدور رأی یا قرار،

فراتر از مدت‌های متعارف و مقرر در قانون یا عرف قضایی است. این تأخیر باید غیر موجه

باشد. یعنی ناشی از عوامل خارج از اختیار قاضی مانند حجم بالای پرونده‌ها، بیماری، حوادث غیرمترقبه نبوده و نتوان آن را به ضرورت‌های دادرسی مانند پیچیدگی پرونده، نیاز به تحقیقات مفصل نسبت داد. قوانین آیین‌نامه‌های داخلی قوه قضائیه مانند آیین‌نامه اجرایی سازمان دادگستری معمولاً حداکثر زمان‌های متعارف برای انجام امور مختلف قضایی را تعیین می‌کنند، هرچند ملاک اصلی، معقول بودن مدت زمان است.

## ۲- عناصر تحقق مسئولیت قاضی (برای ضمان افزایش):

تأخیر غیرمعقول (تقصیر): قاضی در انجام وظیفه خود (اعم از تحقیقات در دادرسی یا رسیدگی و صدور رأی در دادگاه بدوی یا تجدیدنظر) تعلل غیرموجه ورزیده باشد. این تعلل می‌تواند ناشی از سهل‌انگاری، بی‌مبالاتی، عدم مدیریت زمان یا سوءنیت باشد. ورود ضرر افزایشی: در نتیجه این تأخیر غیرمعقول، ضرر جدیدی به یکی از اصحاب دعوا وارد شده یا ضرر قبلی افزایش یافته باشد. مثال‌ها:

افزایش خسارت ناشی از تداوم وضعیت نامطلوب؛ مثلاً ادامه تصرف عدوانی یا ادامه نقض حقوق.

افزایش هزینه‌های نگهداری مال موضوع اختلاف.

کاهش ارزش مال به دلیل گذشت زمان.

تحمیل هزینه‌های اضافی به طرفین (مانند وکیل، کارشناس).

ورود خسارت معنوی ناشی از طولانی شدن بی‌حاصل دادرسی.

از بین رفتن مدارک یا شاهدان مهم به مرور زمان.

رابطه سببیت: باید رابطه مستقیم و علی بین تأخیر غیرمعقول قاضی و ورود ضرر افزایشی

وجود داشته باشد. یعنی اثبات شود که اگر تأخیر رخ نمی‌داد، آن ضرر افزایشی محقق نمی‌شد.

## مسئولیت قضات دادرسی (دادیار، بازپرس، دادستان):

تأخیر غیرمعقول در انجام تحقیقات مقدماتی (استماع شهود، اخذ نظر کارشناس، انجام

معاینات محلی).

تأخیر در صدور قرارهای لازم (مانند قرار مجرمیت، منع تعقیب، موقوفی تعقیب).

تأخیر در ارسال پرونده به دادگاه صالح پس از اتمام تحقیقات.  
هرگونه تعلل غیرموجه در فرآیند کشف جرم و جمع‌آوری دلایل که منجر به طولانی شدن بی‌جهت فرآیند و ورود ضرر افزایشی به متهم یا شاکی گردد.

#### مسئولیت قضات دادگاه تجدیدنظر (مستشاران):

تأخیر غیرمعقول در تعیین وقت رسیدگی و برگزاری جلسات تجدیدنظر.  
تأخیر در مطالعه پرونده و اتخاذ تصمیم.  
تأخیر غیرموجه در صدور رأی تجدیدنظرخواهی پس از ختم دادرسی.  
تعلل در ابلاغ رأی صادره.  
هرگونه کندی غیرقابل توجیه در روند تجدید نظرخواهی که منجر به تشدید وضعیت زیان بار محکوم علیه یا محرومیت طولانی‌مدت خواهان از حق خود گردد.

#### قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

اصل ۱۷۱: پایه اصلی مسئولیت مدنی قضات در صورت تقصیر یا اشتباه و جبران خسارت توسط دولت در غیر این صورت.

#### قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹):

ماده ۱: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. (حکم عام مسئولیت مدنی که شامل قضات در صورت اثبات تقصیر نیز می‌شود).

ماده ۱۱: کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتي به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند... (تأکید بر مسئولیت شخصی در صورت عمد یا بی‌احتیاطی).

### قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی:

ماده ۳: دادرسان باید در انجام وظایف قضایی خود استقلال داشته باشند و با حوصله و دقت و سرعت در حدود قانون به امور رسیدگی کنند. (تأکید بر لزوم سرعت معقول در رسیدگی). مواد مختلفی به مهلت‌های مشخص برای اقدامات قضایی (مانند ابلاغ، تجدیدنظرخواهی) اشاره دارند که رعایت نکردن بی‌وجه آنها می‌تواند مصداق تعلل باشد.

### قانون آیین دادرسی کیفری:

ماده ۴: مقام‌های قضایی ... باید در حدود قانون با حوصله و دقت و سرعت به امور رسیدگی کنند. (تکرار اصل سرعت معقول). مواد متعددی به مهلت‌های تحقیقات مقدماتی (مثلاً ماده ۷۲ برای بازپرس) و رسیدگی در دادگاه‌ها اشاره دارند. تأخیر غیرموجه در این مهلت‌ها می‌تواند مشمول مسئولیت شود.

### آرای وحدت رویه و نظریات مشورتی:

رای وحدت رویه شماره ۷۳۲ - ۱۳۹۵/۱۲/۲۳: مقرر می‌دارد که تأخیر قوه قضائیه در اجرای حکم قطعی (که می‌تواند ناشی از تأخیر قضات در صدور دستورات اجرایی یا نظارت باشد) در صورت احراز رابطه سببیت، موجب مسئولیت مدنی دولت است. (این اصل قابل تعمیم به تأخیر در خود رسیدگی و صدور حکم است).

نظریه مشورتی شماره ۹۳/۷ - ۱۳۹۳/۰۶/۲۴: اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه: در صورت اثبات تقصیر قاضی در تأخیر غیرموجه که منجر به ضرر شده باشد، مسئولیت مدنی بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی متوجه قاضی است و دولت نیز حسب مورد مسئول جبران خسارت است.

### دکترین حقوقی (نظریه‌های علمای حقوق):

بسیاری از حقوقدانان (مانند دکتر کاتوزیان، دکتر صفایی) بر این باورند که تأخیر غیرمعقول قاضی در انجام وظایف محوله، مصداق بارز تقصیر (بی‌احتیاطی یا عدم مهارت) محسوب می‌شود و در صورت احراز رابطه سببیت با ضرر وارده، مسئولیت مدنی قاضی یا

دولت (بسته به اثبات تقصیر) را به دنبال دارد.

نظریه "اتلاف" و "تسبیب" (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی) نیز گاه در توجیه مسئولیت قاضی به دلیل تأخیر غیرموجه که منجر به افزایش یا ایجاد ضرر شده است، مورد استناد قرار می‌گیرد.

قضات، اعم از آن‌هایی که در دادسرا (دادیار، بازپرس، دادستان) و آن‌هایی که در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر فعالیت می‌کنند، در صورت ارتکاب تأخیر غیرمعقول (تعطل غیرموجه) در انجام وظایف دادرسی خود، که منجر به ورود ضرر افزایشی به اصحاب دعوا گردد و رابطه سببیت مستقیم بین تأخیر و ضرر محرز باشد، ممکن است مشمول مسئولیت مدنی قرار گیرند. این مسئولیت مبتنی بر اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و اصول کلی حقوقی مانند لزوم سرعت معقول در دادرسی (مواد ۳ ق.آ.د.م و ۴ ق.آ.د.ک) و نظریه‌های تسبیب و اتلاف است. اثبات تقصیر (تعطل غیرموجه) قاضی و رابطه سببیت توسط زیان‌دیده، از ارکان کلیدی تحقق این مسئولیت است. در صورت عدم اثبات تقصیر شخصی قاضی، مسئولیت جبران خسارت بر عهده دولت قرار می‌گیرد.

### مسئولیت دفاتر دادگاه و کارشناسان

مسئولیت دفاتر دادگاه و کارشناسان (از جمله پزشک قانونی و کارشناس تصادفات) در فرآیند رسیدگی قضایی در ایران، بر اساس قوانین و مقررات مشخص تعریف شده و بسیار حائز اهمیت است. این مسئولیت‌ها به شرح زیر است:

#### ۱- دفاتر دادگاه (دبیرخانه و مسئول دفتر)

ثبت و نگهداری اسناد: مسئولیت ثبت دقیق کلیه اقدامات، تصمیمات و صورت جلسات دادگاه، نگهداری صحیح پرونده‌ها و مستندات.

ابلاغ اوراق قضایی: ابلاغ به موقع و قانونی احکام، قرارها و سایر اوراق به اصحاب دعوا. اجرای دستورات قاضی: همکاری در اجرای دستورات قاضی از جمله احضار شهود،

درخواست نظریه کارشناسی و صدور اجرائیه.

رعایت مواعد قانونی: توجه به مهلت‌های قانونی برای اقدامات مختلف (مانند فرصت تجدید نظرخواهی).

مسئولیت اداری و انتظامی: در صورت تقصیر در انجام وظایف (مانند گم کردن پرونده، تاخیر غیرموجه، ثبت نادرست)، مسئول اداری و انتظامی بوده و ممکن است به مجازات‌های انتظامی (توبیخ، کسر حقوق، تعلیق و...) محکوم شوند. در صورت ورود خسارت به اصحاب دعوا، ممکن است مسئولیت مدنی نیز داشته باشند.

۲- کارشناس رسمی دادگستری (شامل کارشناس تصادفات و سایر تخصص‌ها)

بی‌طرفی و استقلال: ارائه نظر کارشناسی بر اساس علم، تخصص و مستندات پرونده، بدون جانبداری از هیچ یک از طرفین یا نهادها.

دقت و تخصص: استفاده از آخرین استانداردها، روش‌های علمی و تجربیات روز در بررسی موضوع و ارائه گزارش.

تکمیل به موقع گزارش: ارائه گزارش کارشناسی در مهلت تعیین شده توسط مرجع قضایی. شفافیت و مستندسازی: ذکر دقیق روش‌های بررسی، مستندات مورد استناد، فرضیات و نتیجه‌گیری به صورت واضح.

حضور در جلسات دادگاه: در صورت نیاز، حضور در دادگاه و توضیح گزارش خود و پاسخ به سوالات قاضی و طرفین.

۳- مسئولیت انتظامی و کیفری:

تخلف انتظامی: در صورت نقض وظایف (تاخیر غیرموجه، عدم رعایت بی‌طرفی، ارائه گزارش ناقص یا غیرعلمی، عدم حضور در دادگاه) مشمول مجازات‌های انتظامی از سوی سازمان کارشناسان دادگستری (از توبیخ تا ابطال پروانه کارشناسی) می‌شود.

مسئولیت مدنی: در صورت ورود خسارت به اشخاص در نتیجه تقصیر در انجام وظایف کارشناسی (مانند گزارش غلط)، شخص کارشناس مسئول جبران خسارت است.

مسئولیت کیفری: در موارد خاص مانند گواهی خلاف واقع (ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی) یا اخذ رشوه (ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی) به منظور ارائه گزارش نادرست، ممکن است مجازات‌های سنگین کیفری (حبس، انفصال از خدمات دولتی و...) شامل حال کارشناس شود.

#### ۴- پزشکی قانونی

وظایف خاص: تعیین علت فوت، تشخیص میزان آسیب‌های جسمی و روانی (نقص عضو، ضرب و جرح، تجاوز)، تعیین سن، بررسی سلامت روانی، تعیین رابطه علی بین حادثه و آسیب.

رعایت اصول پزشکی و قانونی: گزارش‌ها باید دقیقاً بر اساس معاینات، آزمایش‌ها و یافته‌های پزشکی و مطابق با موازین قانونی و شرعی باشد. فوریت و دقت: به ویژه در موارد حساس (مانند تعیین علت فوت یا آسیب‌های شدید)، دقت و سرعت عمل بسیار حیاتی است.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر مسئله ضمان افزایش دیه در جنایات غیر عمدی ناشی از تأخیر غیرمعقول در فرآیند دادرسی، به نتایج کلیدی زیر دست یافته است:

#### ۱- رابطه علیت و ضرر نامشروع:

طولانی شدن بی‌جهت و غیرمعقول فرآیند دادرسی کیفری، به‌ویژه در پرونده‌های منتهی به دیه (مانند قتل شبه‌عمد و خطای محض)، سبب افزایش ملموس و گاه سرسام‌آور میزان دیه می‌شود. این افزایش، مستقیم و غیرمستقیم ناشی از تأخیرهای نهادهای قضایی و اجرایی است و به‌عنوان ضرری نامشروع بر ذمه مجنی‌علیه یا اولیای دم وارد می‌شود.

## ۲- مبانی فقهی و حقوقی ضمان:

قاعده "لاضرر" و "لاضرار": تأخیر غیرمعقول و ایجاد ضرر مالی مضاعف (افزایش دیه) ناقض صریح این قاعده بنیادین فقهی و حقوقی است.

قاعده "اتلاف": دستگاه قضایی به عنوان متولی دادرسی، با تأخیر غیرموجه خود، مسبب تلف مال (پرداخت مبلغ بیشتر توسط مسئول اصلی یا تحمل ضرر بیشتر توسط مجنی علیه) می‌شود.

مسئولیت مدنی دولت (ماده ۱۱ ق.م.م): تأخیر غیرمعقول نقض وظیفه قانونی دستگاه قضایی برای رسیدگی به موقع و اجرای عدالت است و تقصیر محسوب می‌شود. بنابراین، دولت به عنوان متصدی دستگاه قضا مسئول جبران خسارت ناشی از این تقصیر (تفاوت دیه افزایش یافته) است.

تضمینات حقوق بنیادین (دسترسی به عدالت و دادرسی عادلانه و بدون تأخیر نامعقول): تأخیر غیرمعقول نقض حق دسترسی به عدالت و دادرسی منصفانه و بدون تأخیر نامعقول، به عنوان حقوق مصرح در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی است.

## ۳- عدم شمول ضمان بر مرتکب اصلی:

بار اثبات رابطه سببیت بین تأخیر غیرمعقول نهادهای دولتی و افزایش دیه، ضمان را منحصراً متوجه دولت (به نمایندگی دستگاه قضایی و اجرایی) می‌سازد. مرتکب اصلی جرم غیرعمدی فقط مسئول پرداخت دیه معتبر در زمان وقوع جنایت است و نباید بار افزایش ناشی از کوتاهی سیستم را بر دوش کشد.

## ۴- چالش‌های عملی و راهکارها:

تعیین معیار "غیرمعقول بودن" مدت دادرسی: نیازمند معیارهای عینی (مانند میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌های مشابه، پیچیدگی پرونده، اقدامات انجام شده) و دوری از سلیقه‌گرایی است.

محاسبه دقیق افزایش دیه: ایجاد سازوکار مشخص برای محاسبه تفاوت دیه بر اساس نرخ رسمی در زمان وقوع جنایت و زمان صدور حکم قطعی یا وصول دیه.

منبع تأمین خسارت:

پیشنهاد ایجاد "صندوق جبران خسارات ناشی از تأخیر قضایی" با بودجه دولتی یا اخذ بخشی از هزینه‌های دادرسی، به‌عنوان راهکاری عملیاتی.

اصلاح قوانین و مقررات: ضرورت تصریح مسئولیت دولت در قوانین آیین دادرسی کیفری و قوانین مربوط به دیه برای رفع ابهام و تسهیل اجرا.

پذیرش ضمان دولت برای افزایش دیه ناشی از تأخیر غیرمعقول دادرسی در جنایات غیرعمدی، نه تنها یک ضرورت فقهی و حقوقی مبتنی بر قواعد ضمان، مسئولیت مدنی و اصول عدالت ترمیمی است، بلکه ضامن تحقق عدالت واقعی در چند بعد است:

عدالت برای مجنی علیه/اولیای دم: جبران کامل ضرر مالی غیرمنصفانه‌ای که به دلیل عملکرد نادرست سیستم متحمل شده‌اند.

عدالت برای مرتکب: پیشگیری از تحمیل بار مالی غیرمنصفانه و خارج از اراده او.

عدالت برای سیستم قضایی: ایجاد انگیزه برای بهبود کارایی، سرعت و انضباط در فرآیند

دادرسی و اجرای احکام، و افزایش مسئولیت‌پذیری نهادهای مرتبط.

اعتماد عمومی: ترمیم اعتماد مردم به کارآمدی و انصاف دستگاه قضا. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که تحقق این نظریه نیازمند اراده‌ای قوی برای بازنگری در رویه‌های قضایی، اصلاح قوانین مرتبط (به‌ویژه در زمینه مسئولیت مدنی دولت و قوانین دیه)، و ایجاد سازوکارهای عملی شفاف و عادلانه برای تعیین تأخیر غیرمعقول و محاسبه و پرداخت خسارت است. پذیرش این مسئولیت توسط دولت، گامی بلند به سوی نظام دادرسی عادلانه‌تر، انسانی‌تر و کارآمدتر خواهد بود.

#### پیشنهادات:

۱- تدوین شاخص‌های عینی (مانند حداکثر زمان مجاز برای رسیدگی در هر مرحله از دادرسی) در قوانین آیین دادرسی کیفری، به‌گونه‌ای که قضات و اصحاب دعوا به راحتی بتوانند مصادیق تأخیر غیرموجه را تشخیص دهند.

۲- تصریح قانونی مبنی بر مسئولیت نهاد قضایی در پرداخت تفاوت دیه افزایش یافته ناشی

- از تأخیر غیرمعقول (با پیش‌بینی منبع مالی مشخص مانند صندوق جبران خسارت قضایی).
- ۳- محاسبه افزایش دیه بر اساس نرخ تورم سالانه از زمان وقوع جنایت تا زمان صدور حکم قطعی، نه صرفاً نرخ مصوب سال وقوع حادثه.
  - ۴- پیش‌بینی غرامت جداگانه برای آلام روحی و هزینه‌های تحمیلی (مانند درمان اضطراب، از دست دادن فرصت‌های شغلی) به موجب تأخیر در دادرسی.
  - ۵- ایجاد واحدهای مستقل در دادگستری‌ها برای پایش زمان رسیدگی به پرونده‌ها و اخطار به مراجع قضایی در صورت تأخیر بی‌وجه.
  - ۶- راه‌اندازی سامانه‌ای برای پیگیری آنلاین روند پرونده توسط اصحاب دعوا و وکیل، همراه با هشدار خودکار در صورت تخطی از زمان‌بندی قانونی.
  - ۷- آموزش مستمر در زمینه مدیریت زمان دادرسی، تکنیک‌های تسریع در رسیدگی و آشنایی با پیامدهای تأخیر بر حقوق بزه‌دیدگان.
  - ۸- جذب نیروی قضایی کافی و تجهیز دادگاه‌ها به امکانات مدرن (مانند سیستم‌های دادرسی الکترونیک) برای کاهش تراکم پرونده‌ها.
- حق بر دادرسی عادلانه و بدون تأخیر نامعقول، تکلیفی است که نقض آن توسط نظام قضایی، مستلزم جبران خسارت از جانب دولت است. پذیرش "ضمان افزایش دیه" نه تنها تحقق عدالت ترمیمی است، بلکه انگیزه‌ای قوی برای اصلاح ساختاری سیستم دادرسی ایجاد می‌کند. پیشنهادات فوق با ترکیب راهکارهای حقوقی، نهادی و فرهنگی، می‌تواند به کاهش چالش‌های موجود و استیفای حقوق فراموش شده قربانیان بیانجامد. این پیشنهادات با توجه به مبانی فقهی (مانند قاعده لاضرر و ضمان ید) و اصول حقوق عمومی (مسئولیت دولت در عملکرد قوه قضائیه) تدوین شده و قابلیت اجرا در سیستم حقوقی ایران را دارد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- احسان پور سیدرضا، امی احمد. (۱۳۹۹)، مبانی فقهی - حقوقی دیه یوم‌الداء؛ موضوع ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۳۱-۳۹.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸ قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- خمینی، سید روح‌الله. تحریرالوسیله. جلد ۲. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- صفایی، سید حسین؛ (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). ناشر: سمت.
- قاضی زاده، سامان، هاشمی زاده کهنی علیرضا، خندان سیدپدرام. (۱۴۰۲)، بررسی فقهی حقوقی آثار اقتصادی اطاله صدور و اجرای احکام مدنی، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۹، دی ۱۴۰۲، صفحه ۲۱۱-۲۳۰.
- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۸). حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). جلد دوم. تهران: انتشارات جنگل.
- موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۴۲۹ق). القواعد الفقهیه. جلد ۱. قم: نشر الهادی.
- میرمدرس سیدموسی. (۱۳۹۲)، مفهوم و ماهیت دیه از منظر فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی فقه، دوره ۲۰، شماره ۷۷ - شماره پیاپی ۷۷، مهر ۱۳۹۲، صفحه ۵۲-۲۴.